
تخیل و بیان

نقد زبان شناختی

نالیف ژرار ژنت

ترجمہ دکتر الله شكر اسداللهی تجرق



انتشارات سخن، تهران

سرشناسه	: ژنت، ژرار، ۱۹۳۰ - م. Genette, Gerard
عنوان و نام‌پدیدآور	: تخیل و بیان: نقد و بازشناختن / تألیف ژرار ژنت ترجمه دکتر الله شکر اسداللهی بجرق
مشخصات نشر	: تهران: سخن، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۲۹۰ ص.
شابک	: ۵ - ۶۵۱ - ۳۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی. Fiction et diction, c1991.
موضوع	: ادبیات - زیبایی‌شناسی
موضوع	: سبک‌شناسی
موضوع	: انواع ادبی
شناسه افزوده	: اسداللهی بجرق، الله شکر، ۱۳۳۹ -، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۳۳۹/۳۷۵ PN۴۵
رده‌بندی دبویی	: ۸۰۱/۹۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۱۴۹۴۴



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۶۳۸۷۵

www.sokhanpub.com

E.mail: info@sokhanpub.com

تجلیل و بیان

نقد زبانشناختی

تألیف: ژرار ژنت

ترجمه: دکتر الله شکر اسداللهی تبرق

نظریه‌ها و نقدهای ادبی - هنری ۵

زیر نظر دکتر بهمن نامور مطلق

لینوگرافی: کوثر

چاپ: مهارت

چاپ اول: ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۶۵۱-۵

مرکز پخش: خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، شماره ۱۲۲۴

تلفن ۶۶۴۶۷ ۶۶۴۶۰، ۹۷۰ ۶۶۴۶۵

مقدمه مترجم	۹
پیش درآمد	۱۳
۱. تخیل و بیان	۱۹
۲. کنش های تخیل	۷۵
۳. حکایت تخیلی، حکایت واقعی	۱۱۷
۴. سبک و معنا	۱۷۱
واژه نامه	۲۸۶



ژرار ژنت یکی از منتقدان ادبی معاصر فرانسوی است که در زمینه نقد زبان‌شناختی، روایت‌شناسی، بینامتنیت، سبک و غیره آثار ارزنده‌ای به رشته‌ی تحریر درآورده است. کتاب حاضر تحت عنوان *تخیل و شیوه‌های بیان* شامل مباحث مهمی می‌باشد که به اصل و اساس ادبیات مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، از نظر ژنت، دنیای ادبیات از دو بخش اساسی یعنی "تخیل" و "بیان" تشکیل یافته است که هر دو مکمل یکدیگر بوده و در خلاقیت آثار ادبی نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این کتاب ژنت سعی دارد ما را با دو وجه سازنده‌ی ادبیات یعنی "معنا" و "صورت" مواجه سازد. معنا یا مضمون حاصل تخیل و جنبه‌های تخیلی نوشتار است و صورت یا ادبیت به بیان و به شیوه‌های بیان بستگی دارد. وی این دو وجه سازنده‌ی ادبیات را در چهار بخش جداگانه مورد بحث قرار می‌دهد: تخیل و نحوه‌ی بیان، کنش‌های تخیل، حکایت تخیلی، حکایت واقعی و سبک و معنا.

در بخش اول این اثر، ژنت به بحث تخیل و مضمون از یک طرف و نحوه‌ی بیان و صورت نوشتار از طرف دیگر می‌پردازد. او تعامل و تقابل احتمالی بین این دو وجه ادبیات را با مثال‌های ملموس برای ما آشکار می‌سازد. در بخش دوم این کتاب، شاهد مباحث مربوط به کنش‌هایی زبانی و کنش‌هایی تخیلی با استناد به نظریه‌های متقدان و زبان‌شناسان مشهوری چون شارل بالی، جان سرل، کاته هامبرگر و دیگران هستیم. در این بخش، ژنت ماهیت گزاره‌های تخیلی برخی آثار ادبی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و نمونه‌های بسیار خوبی از آنها ذکر می‌کند. در بخش سوم اثر حاضر، ژنت حکایت تخیلی را در مقابل حکایت واقعی قرار می‌دهد و در خصوص معیارهای مشخص این نوع حکایات به بحث می‌پردازد. به نظر وی تشخیص مرز بین حکایت واقعی و حکایت تخیلی بسیار مشکل است و نمی‌توان مرز مشخص و قاطعی بین آن دو قائل شد. در پایان ژنت در بخشی تقریباً طولانی بحث مهم سبک و معنا را مطرح ساخته و درصدد است تا تعریف جامعی از سبک ارائه نماید. در این کتاب وی مباحث زیادی از صاحب نظران سبک ذکر کرده و به مقایسه و تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازد. به نظر ژنت سبک فقط از جنبه‌های مضمونی یا تخیلی نوشتار حاصل نمی‌شود، بلکه صورت نوشتار یا به عبارت دیگر ادبیت نیز می‌تواند در شکل‌گیری سبک نقش اساسی ایفا کند. اما ادبیت خود بحث مفصلی است که ژنت سعی دارد به آن بپردازد. ادبیتی که سازنده‌ی سبک است، ادبیت ساده و بسی تکلف است. سبک از بی‌سبکی، از ادبیت ساده و، همچنانکه رولان بارت نیز به آن اذعان داشت، از "نوشتار سفید" حاصل می‌شود.

کتاب حاضر در زمینه‌ی نقد زبانشناختی حرف‌های تازه‌ای برای گفتن دارد. با توجه به مباحث بنیادی موجود در این کتاب، چنین می‌توان گفت که شاید ژنت اصل و اساس اغلب کتب انتقادی خود را از این اثر برگرفته است. در این چهار بخش مورد بحث، نکات بسیار ارزشمندی در زمینه‌ی مباحث مربوط به ادبیات، زبانشناسی، نقد ادبی، تحلیل کلام، نشانه‌شناسی... مطرح شده است که می‌تواند آغازی برای مباحث اساسی در زمینه‌ی زبان و ادبیات فارسی باشد. مطالعه‌ی این اثر به طور کلی از سوی هم‌ی علاقه‌مندان به مباحث زبان و ادبیات خالی از لطف نخواهد بود ولی مطالعه‌ی آن، به ویژه برای همکاران دانشگاهی، متقدان ادبی، زبان‌شناسان و دانشجویان دوره‌های متفاوت تحصیلی در رشته‌های ادبیات، زبان‌های خارجی، زبانشناسی، فلسفه و منطق بیشتر توصیه می‌شود. لازم است خاطر نشان کنم که با توجه به ماهیت تقریباً مشکل مباحث مطرح شده و با عنایت به وجود واژگان و اصطلاحات تخصصی در این کتاب، سعی شده است تا در ترجمه‌ی آن، ضمن وفاداری به محتوی و اصول و شیوه‌های نگارش متن اصلی، نکات سخت و پیچیده با یادداشت‌ها و توضیحات لازم در پاورقی روشن شود.

لازم است در اینجا از کمک اساتید و همکاران دانشگاهی خودم که در ترجمه و تهیه‌ی این اثر مرا یاری کرده‌اند، سپاسگزاری کنم. از سرور گرامی و دوست ارجمندم جناب آقای دکتر محمود نوالی که همیشه با صبر و تحمل زیاد به پرسش‌های اینجانب پاسخ داده‌اند بی نهایت تشکر می‌کنم. از زحمات دوست و برادر ارجمندم جناب آقای دکتر بهمن نامور مطلق که در ترجمه‌ی این اثر مشوق من بودند و در مطالعات مربوط به آثار ژرار ژنت مرا

از توصیه‌های ارزنده خود بی نصیب نگذاشتند، سپاسگزاری می‌کنم. از جناب آقای فرانسوا لو گنک که به برخی از سئوالات اینجانب که از طریق مکاتبات با علاقه‌ی تمام پاسخ دادند تشکر و قدردانی می‌کنم. از اساتید محترم دانشگاه تبریز و از دوستان خودم به ویژه آقایان دکتر مهدی افخمی‌نیا و دکتر محمد حسین جواری که مدام مزاحم اوقات شریف آنها می‌شدم و پرسش‌هایی مطرح می‌کردم و پاسخی قانع کننده دریافت می‌کردم، صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین بر خود لازم می‌دانم از همکاری بی‌دریغ اساتید محترم آقایان دکتر باقر صدوری نیا، دکتر چنگیز مولائی، دکتر اسدالله واحد، دکتر مجید صدر مجلس، دکتر علیرضا آزادی، دکتر مسعود امید، دکتر وحید نژاد محمد و دکتر محسن آسیب پور از صمیم قلب سپاسگزاری نمایم.

الله شکر اسداللهی تجرق

دانشگاه تبریز - دی ماه ۱۳۹۱

چهار مطلبی که با عناوین متفاوت در این اثر خواهند آمد، به نظامها^۱، معیارها و وجوه ادبیت^۲ می‌پردازند که از زمان رمان یاکوبسن تا کنون به عنوان جنبه‌های زیباشناختی ادبیات تعریف شده‌اند (واضح است که ادبیات جنبه‌های زیباشناختی دیگری هم دارد) بنابراین لازم است مشخص کنیم در چه شرایطی متنی، شفاهی یا کتبی، می‌تواند به عنوان "اثر ادبی" یا فراتر از آن به عنوان یک موضوع (کلامی^۳) با عملکرد زیباشناختی تلقی شود (در واقع آثار این نوع عملکرد زیباشناختی جنس خاصی را ایجاد می‌کنند که، در میان چیزهای دیگر، با خصوصیات قصدی و عمدی عملکرد (و همانگونه که درک می‌شود) تعریف و تفسیر می‌گردد.

تقریباً در ارتباط با این تفاوت باز و کلی [بین تعاریف و تفاسیری که از زیباشناختی آثار بعمل می‌آید]، تضادی واقع می‌شود که بین دو نظام ادبیت بوجود می‌آید: امر سازنده^۴، که با قصدها و نیت پیچیده، با قراردادهای کلی

۱. منظور نظام‌های مربوط به نوشتار است. (م)

۲. Littérarité یعنی جنبه‌ی ادبیت یا جنبه‌ی نوشتاری متن. (م)

۳. منظور از "کلامی"، verbal بودن است و هیچ ارتباطی به بحث فلسفه و کلام ندارد. (م)

۴. Le constitutif

و فزاینده و با انواع و اقسام سنت‌های فرهنگی تضمین می‌شوند، و امر شرطی^۵ که از تحسین زیباشناختی شخصی و ذهنی، که همواره در حال تغییر و تحول می‌باشد، شکل می‌گیرد.

مقوله‌ی کاملاً نظری (و اغلب مغفول) نظام [نوشتاری] با مقوله دیگری تلاقی می‌کند که درک آن بسیار واضح بوده و تا حدودی قائم به آن است: این مقوله یک معیار تجربی است که تشخیص چگونگی ادبیت، هرچند بعداً انجام پذیرد، بر محور آن استوار است. این معیار می‌تواند یا مضمونی^۶ باشد، یعنی مسائل مربوط به محتوای متن را در برگیرد (موضوع چیست؟) و یا صوری^۷ بوده و به طور کلی به شکل و ظاهر مسائل و یا به عبارت دیگر به خصیصه‌های خود متن و به نوع گفتمانی که متن تمثیل^۸ کننده‌ی آن است، پردازد.

نقطه تلاقی این دو مقوله تابلویی از وجوه ادبیت را به وجود می‌آورد. اما این وجوه، در آن تابلو، به صورت مساوی و موازی تقسیم‌بندی نمی‌شود. رایج‌ترین معیار مضمونی که به درستی از زمان ارسطو تا کنون به آن توسل جسته‌اند، جنبه‌ی تخیلی متن^۹ است که به عنوان نظام سازنده عمل می‌کند: یک اثر (کلامی) مخیل، تقریباً به شکل اجتناب‌ناپذیری و به دور از هر گونه قضاوت ارزشی به عنوان اثر ادبی پذیرفته می‌شود، شاید به این علت است که شیوه‌ی خوانشی که چنین اثری بوجود می‌آورد، (همان) "تعلیق ارادی

5. Le conditionnel

6. Thématique

7. Rhématique

8. exemplifier

9. Fictionalité

دیرباوری "مشهور)، در فلسفه کانت، به عنوان یک شیوه‌ی زیباشناختی "بی‌تفاوتی و دیر باوری"^{۱۰} نسبت به جهان واقعی تلقی می‌شود. معیار صوری، خود، می‌تواند از طریق نحوه بیان^{۱۱} دو وجه ادبیّت را مشخص سازد. یکی از این وجوه (شعر) از نظام سازنده تبعیت می‌کند: به هر نحوی که بخوانیم شکل یک شعر را تعریف کنیم، شعر همیشه یک اثر ادبی است، زیرا آن دسته از خصوصیات شکلی (متغیر) که یک شعر را شعر می‌سازند، به طور آشکار اغلب از نظم زیباشناختی برخوردار هستند. وجه دیگر "نحوه بیان" (نثر غیر محفل) تنها به یک شیوه مشروط می‌تواند به عنوان ادبیّت پذیرفته شود، یعنی بر اساس یک روش فردی مانند روشی که مثلاً استاندال در برابر سبک مربوط به احوالات شخصی یا مشخصات سجلی در پیش گرفته بود.

کلیدی فرضیه‌های این کتاب کوچک و موضوع فصل اول آن همین مسایلی هستند که ذکر کردیم. دو فصل بعدی این اثر اختصاصاً به گفتمان

۱۰. Désintéressement ("بی‌تفاوتی و دیر باوری" در اخلاق کانت، امر مهمی تلقی می‌شود. زیرا به نظر کانت ما باید مسائل را عاری از هرگونه تمایلات و خواسته‌ها و تبع جونی خود مورد توجه قرار دهیم. به عبارت دیگر مسائل را باید فی‌نفسه به خاطر درست و به حق بودن و یا نادرست و ناحق بودن مورد ملاحظه قرار داد، که این امر خود به عنوان یک نوع زیباشناسی در دریافت مفاهیم محسوب می‌شود. به همین خاطر آثار تخیلی نیز، بی‌آنکه بلافاصله دارای تخیلی آنها را افشا کنیم یا محتوای تخیلی آنها را باور نماییم، آنها را به همان شکلی که هستند، دریافت می‌کنیم و این همان زیباشناسی آثار تخیلی محسوب می‌شود که به نظریه‌ی فلسفی کانت بسیار نزدیک است. (م)

تخیل می پردازند. فصل دوم، با تکیه بر نظریه‌های جان سرل^{۱۲}، در صدد تبیین هویت گزاره‌های تخیل روایی به عنوان کارکرد زبان است. این گزاره‌ها^{۱۳}، که خود بوجود آورنده‌ی جهانی هستند که ادعای وصف آن را دارند، نظر سرل، تصدیقات^{۱۴} "وانمود شده یا تصنعی" می‌باشند؛ به عبارت دیگر، گزاره‌هایی هستند که به عنوان تصدیقات معرفی می‌شوند بی‌آنکه شرایط عملی اعتبار آن را داشته باشند. این تعریف و تبیین برای من غیر قابل انکار می‌باشد ولی در عین حال ناقص است: اگر گزاره‌های مربوط به تخیل، تصدیقات حقیقی نیستند، پس باید دانست که این گزاره‌ها از چه نوع کنش‌هایی زبانی برآمده‌اند.

فصل سوم با یک بحث تاریخی آغاز می‌شود: روایت‌شناسی تقریباً به طور کامل به ریخت حکایت پیوند خورده است، گوئی این مشاهدات به طور خودکار در حکایت‌های غیر تخیل مانند "تاریخ"، "خود شرح حال نگاری"، "گزارش" و "یادداشت‌های شخصی" نیز قابل اجرا و قابل پیاده شدن هستند. در اینجا، بی‌آنکه در این خصوص به جستجوی تجربی پردازم، که به حق لازم و ضروری است، سعی خواهم کرد با یک روش استقرایی و همراه با نمودارها نشان دهم تا چگونه خصیصه‌ی تخیلی یا "واقعی"^{۱۵} یک حکایت می‌تواند نحوه‌ی انتخاب فاصله، دیدگاه یا "صدای" روایی خود را به سوی عملکردهای زمانی خویش هدایت نماید و یا چگونه این حکایت آنها را (شاید مناسب‌ترین شاخصه همین باشد) به سوی

12. John Searle

13. énoncés

14. Assertions

15. Factuel در اینجا منظور از "واقعی"، واقعیتی است که یک اثر ادبی برای ما آشکار می‌سازد. (م)

ارتباطی سوق می‌دهد که بین دو جریان روایی یعنی راوی و مؤلف اتفاق می‌افتد.

آخرین بخش این کتاب به نحوه‌ی بیان می‌پردازد، این موضوع تحت لوای مشروط‌ترین جنبه‌ی خود، یعنی سبک، مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. تعریفی که زبان‌شناسان از سبک به ارث گذاشته‌اند ("سبک عبارت از عملکرد بیانی زبان است")، خود تفسیری جدید با اصطلاحات نشانه‌شناختی را می‌طلبد؛ حتی ممکن است این تفسیر به یک برداشت کاملاً احساس‌گرایانه از "مسائل سبک" منجر شود. مفهوم شک‌آمیز بیان^{۱۶} ما را به یک جستجوی طولانی وادار می‌کند که از بالی^{۱۷} تا فرگه^{۱۸} (معنا و معنای صریح)، از فرگه تا سارتر (معنا و دلالت) و از سارتر تا نلسون گودمن^{۱۹} همواره پیچ و خم زیادی داشته است (گودمن، با تمایز قائل شدن بین معنای صریح و تمثیل‌سازی^{۲۰}، روش تحلیل رابطه‌ی بین زبان و سبک را به شیوه بسیار روشن، جامع و حساب شده مطرح می‌سازد، به عبارت دیگر وی به رابطه‌ی بین عملکرد نشانه‌شناختی گفت‌مان و دامنه‌ی "قابلیت درک" آن می‌پردازد).^{۲۱}

می‌توانیم همسویی دو وجه ظاهراً غیر متجانس را به سوی یک عملکرد، گنگ و مبهم قضاوت کنیم؛ این دو وجه ظاهراً غیر متجانس، از طرفی وجه مربوط به خصیصه تخیلی یک داستان است و از طرف دیگر روشی است که یک متن، علاوه بر آنچه که بیان می‌کند، اجازه می‌دهد، تا به کمک آن، آنگونه که هست فهم گردد و مورد ارزیابی قرار گیرد. حدس می‌زنم نقطه

16. Expression

17. Bally

18. Frege

19. Nelson Goodman

20. Exemplification

مشترک [بین این دو] در اختلال مربوط به شفافیت گفتمان باشد: در مورد وجه اولی (تخیل)، باید گفت که موضوع آن کم و بیش به صورت روشن به عنوان موضوعی که "وجود ندارد"^{۲۱}، مطرح شده است؛ در مورد وجه دومی (خواه بیان) نیز چنین می‌توان گفت که این موضوع کمتر مورد توجه بوده و اهمیت آن بسیار کمتر از خصوصیات ذاتی و درونی خود گفتمان در نظر گرفته شده است.

اکنون این عدم شفافیت نسبی، هر علت و دلیلی که داشته باشد، چطور می‌تواند تأثیری دقیقاً ریشه‌شناختی ایجاد نماید؛ مسلماً این پرسش جستجوی دامنه‌داری را می‌طلبند که قطعاً فراتر از حوزه بسیار محدود بوطیقا^{۲۲} خواهد^{۲۳}.

۲۱. inexistent یعنی به چشم دیده نمی‌شود. (م)

22. Poétique

۲۳. فصل دوم با عنوان "هویت عملی تخیل روایی" در مجله *Poétique*، شماره ۷۸، آوریل ۱۹۸۹ منتشر شد و به زبان انگلیسی تحت عنوان "هویت عملی تخیل روایی" در مجله *Style* ۱-۲۴، بهار سال ۱۹۹۰ به چاپ رسید.

فصل سوم با عنوان "تخیل روایی، تخیل واقعی" به زبان انگلیسی و در مجله *Poetics Today* منتشر خواهد شد.

من از این مجلات به خاطر اجازه‌ای که برای چاپ مقالاتم به من داده اند، تشکر می‌کنم.